

## زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۰ (بهار و تابستان ۱۴۰۱) شماره صفحات: ۱۲۷ - ۱۴۲

### رویکرد رده‌شناختی به ساخت ملکی در گویش سُرخ

زهرا کریمی باوریانی\*<sup>۱</sup>، زینب محمدابراهیمی جهرمی<sup>۲</sup>

۱. دکتری زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

#### چکیده

این پژوهش راهبردهای ملکی‌سازی در گویش سُرخ را بررسی می‌کند و بر مبنای دسته‌بندی انواع راهبردهای غالب صرفی- نحوی ملکی‌سازی مطرح‌شده در رویکرد رده‌شناختی کرافت (۲۰۰۳) رده‌زبانی این گویش را آشکار می‌سازد. پژوهش پیش رو همچنین بر مبنای راهبرد غالب به کار گرفته‌شده برای ملکی‌سازی، آرایش سازه‌ها، روش پیونددهی میان دارنده (مالک) و داشته (مملوک)، اندازه آمیختگی این دو سازه و تمایز ملکیت انتقال‌پذیر و انتقال‌ناپذیر در این گویش را بررسی می‌کند. گویش سُرخ از گروه زبان‌های ایرانی غربی-جنوبی است که در منطقه کوهمره سُرخ واقع در استان فارس بدان سخن می‌گویند. یافته‌های به دست آمده از بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که راهبرد غالب ملکی‌سازی در گویش سُرخ از دیدگاه رده‌شناختی بهره‌گیری از پیونده و وندافزایی است. این گویش در سطح جمله، از دو ساخت «داشتن» و «متعلق بودن» بهره می‌گیرد که به لحاظ آرایش سازه‌ها، شناخته یا ناشناخته بودن (معرفه و نکره) دارنده و داشته و انتقال‌پذیری و انتقال‌ناپذیری با هم متفاوت هستند.

واژه‌های کلیدی:

ساخت ملکی

مالک

مملوک

گویش سُرخ

رده‌شناسی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۴ تیرماه ۱۴۰۱

\* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: karimibavaryani@gmail.com

### ۱. مقدمه

مالکیت<sup>۱</sup> مفهومی نسبتاً انتزاعی است که ارائه تعریفی صریح از آن اندکی دشوار است. لیکن سخنگویان هر زبان بر مبنای شم زبانی خود می‌توانند از مفهوم یادشده درکی داشته باشند. برای بیان مفهوم مالکیت در زبان‌ها حضور و مشارکت دارنده<sup>۲</sup> و داشته<sup>۳</sup> الزامی است. بین این دو، رابطه نامتقارن تعلق وجود دارد؛ به طوری که همواره داشته به مالک تعلق دارد، اما عکس این رابطه وجود ندارد (استاسین<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹: ۱۱). زندگی ما خواه ناخواه تا حد زیادی بر مبنای مفاهیمی چون تعلق‌پذیری، مالکیت و دارایی‌ها، چه عینی مانند خانه و اتومبیل و چه انتزاعی مانند علم و دانش، تعریف می‌شوند. در واقع همه زبان‌ها روش یا روش‌هایی برای بیان مالکیت دارند. این پژوهش به بررسی ساخت ملکی در گویش سُرخ‌خی بر مبنای رویکرد رده‌شناختی کرافت<sup>۵</sup> (۲۰۰۳) می‌پردازد.

گویش سُرخ‌خی یکی از پنج گویش رایج در منطقه کوهمره سُرخ‌خی از توابع شهر شیراز در استان فارس است. منطقه کوهمره سُرخ‌خی، یکی از کهن‌ترین مناطق مسکونی استان فارس است. این منطقه از نظر تقسیمات کشوری، جزو شهرستان شیراز است. گویش‌های رایج در منطقه عبارتند از سُرخ‌خی، سُقلمه‌چی، بککی، کراچی و جروق‌چی. گویش سُرخ‌خی، از گویش‌های جنوب غربی ایران است که گویشوران آن در روستاهایی چون بگدانه، رُمقان، شوراب و سیاخ ساکن هستند. ساختار پژوهش به این صورت است که بخش دوم مقاله به بررسی پیشینه مطالعات انجام‌گرفته در ارتباط با ساخت ملکی می‌پردازد. در بخش سوم به بررسی روش‌های گوناگون نمایش ساخت ملکی، چگونگی پیوند میان مالک و مملوک و تمایز بین مالکیت انتقال‌پذیر و انتقال‌ناپذیر از دیدگاه رده‌شناسی می‌پردازد. بخش چهارم ساخت ملکی در گویش سُرخ‌خی را معرفی و بخش پایانی نتایج پژوهش را ارائه می‌کند.

### ۲. پیشینه پژوهش

در ساخت ملکی مفهوم پیوند میان مالک و مملوک نشان‌داده می‌شود. این رابطه معنا و مفهوم تعلق داشتن را دربردارد که مفهومی یک سویه یعنی تعلق مملوک به مالک است. از آن‌جا که تاکنون پژوهشی درباره ساخت ملکی در گویش سُرخ‌خی صورت نگرفته، بدین‌روی به بررسی‌های انجام‌شده بر این ساخت در زبان فارسی پرداخته می‌شود.

<sup>1</sup> possession

<sup>2</sup> possessor

<sup>3</sup> possessum/ possessee

<sup>4</sup> L. Stassen

<sup>5</sup> W. Croft

همان‌گونه که شریفی (۱۳۸۸) می‌نویسد، در دستور زبان فارسی بررسی چندانی بر ساخت ملکی انجام نگرفته و بیش‌تر دستورنویسان این ساخت را زیر نام ساخت اضافه آورده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به نویسندگانی چون ندیمی (۱۳۵۴)، جعفری (۱۳۶۲) و وحیدیان و عمرانی (۱۳۹۰) اشاره کرد.

ندیمی (۱۳۵۴: ۳۰) در طرح دستور زبان فارسی در بحث انواع اضافه، درباره اضافه ملکی بر این باور است که اضافه ملکی آن است که ملکیت را برساند، در این مورد مضاف‌الیه بیش‌تر انسان است مانند کتاب فریدون و خانه حسن. به باور جعفری (۱۳۶۲) مضاف‌الیه اضافه ملکی اسم انسان یا خدا یا ضمیر و مضاف آن مانند زمین پرویز و اتومبیل فریدون قابل تملک است. خانلری (۱۳۷۳) بحث اضافه را تحت عنوان متمم اسم مطرح و اشاره غیرمستقیمی به اضافه ملکی می‌کند. او معتقد است که متمم اسم، غالباً تعلق اسم را به چیزی یا کسی می‌رساند مانند: قلّه کوه، کلاه فریدون، کفش حسن، کتاب او و در اتاق.

ماهوتیان (۱۳۷۸) بر مبنای رویکرد رده‌شناختی، ساخت ملکی را با نام مالکیت آورده و بر این باور است که مالکیت به سه صورت در زبان فارسی بیان می‌شود: بهره‌گیری از ساخت اضافه، بهره‌گیری از واژه‌بست، بهره‌گیری از عبارت «مال» که روش اخیر و ساخت اضافه روش‌های ملکی‌سازی در سطح جمله می‌باشند.

شریفی (۱۳۸۸) ساخت ملکی در زبان فارسی را از دیدگاه رده‌شناختی بررسی می‌کند. مبنای این پژوهش رویکرد کرافت (۲۰۰۳) است. او پس از بررسی موضوع نتیجه می‌گیرد که زبان فارسی در ساخت ملکی از دو راهبرد بهره می‌گیرد: الف. به کارگیری پیونده که دارای تکواژ افزوده و عناصر پیوندی آمیخته و آرایش مالک-مملوک است و ب. وندافزایی که فاقد تکواژ افزوده و دارای عناصر پیوندی و آرایش مملوک-مالک است. شریفی (۱۳۸۸) راهبرد اصلی در ساخت ملکی در زبان فارسی امروز را بهره‌گیری از پیونده می‌داند و معتقد است که زبان فارسی بر مبنای رده ساخت ملکی در رده زبان‌های دارای تکواژ افزوده از نوع پیونده دستوری‌شده برای ساخت ملکی قرار دارد.

وحیدیان و عمرانی (۱۳۹۰) ساخت اضافه را به دو دسته اضافه تعلق و اضافه غیرتعلق تقسیم می‌کنند. اضافه ملکی در واقع در این‌جا اضافه تعلق در نظر گرفته شده است. ایشان معتقدند که در اضافه تعلق، بین مضاف و مضاف‌الیه رابطه ملکیت یا وابستگی وجود دارد، اما در اضافه غیرتعلق چنین رابطه‌ای وجود ندارد. اضافه تعلق مانند پرواز پرنده، قانون کار و خواندن روزنامه؛ اضافه غیرتعلق مانند: گل لاله، کشور ایران و روز جمعه.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

زبان‌ها علاوه بر تفاوت‌ها، دارای شباهت‌هایی نیز می‌باشند. این واقعیت که زبان‌ها در حالی که باهم تفاوت دارند، شبیه نیز هستند، چیستان‌گونه می‌نماید. بر این اساس دو پرسش مطرح می‌شود: الف. زبان‌ها

چگونه از هم متفاوت و چگونه به هم شبیه هستند، ب. دلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های بین زبان‌ها چیست. موراووسیک<sup>۱</sup> (۲۰۱۳: ۲) دلایل شباهت‌های بین زبان‌ها را پنج مورد عنوان می‌کند که عبارتند از ارتباط ژنتیکی، تماس زبانی، محیط فرهنگی مشابه، رده‌ها و همگانی‌ها. به بررسی دو مورد از این پنج مورد یعنی رده‌ها و همگانی‌ها؛ یعنی بررسی رده‌شناختی و ویژگی‌های مشترک زبان‌ها می‌پردازد. به عبارت دیگر، رده‌شناسی مفهوم رده‌زبان‌ها را در کانون توجه قرار داده است. بر مبنای رده‌شناسی، زبان‌ها به رده‌های مشابهی تعلق دارند اگر دست‌کم در یک ویژگی مشترک سهیم باشند.

کرافت (۲۰۰۳: ۳۲) ساخت ملکی را بدین‌گونه تعریف می‌کند: «ساخت ملکی، پیوند معنایی ملکی میان مالک و مملوک است. مملوک هسته گروه اسمی ملکی است و مالک نقش وابسته را دارد». برای رده‌بندی زبان‌ها بر اساس متغیر ساخت ملکی آن‌ها، نخست باید تعریف معنایی از رابطه ملکی ارائه شود. سپس تمام ساخت‌های صوری مشخص شود که در هر زبان برای نشان‌دادن آن رابطه وجود دارد. سرانجام، با مقایسه بین زبانی، انواع ساخت‌ها یا راهبردهای به کار گرفته شده برای نشان‌دادن رابطه ملکی در همه زبان‌ها معلوم و زبان‌ها بر اساس راهبردهای غالبی که به کار می‌گیرند، در رده‌های مختلف قرار بگیرند (موراووسیک، ۲۰۱۳: ۲۱).

کرافت (۲۰۰۳: ۳۲-۴۵) راهبردهای صرفی- نحوی را بر اساس این که آیا این ساخت دارای تکواژ خاصی است که نشانه ساخت ملکی باشد یا خیر، به دو دسته کلی تقسیم می‌کند؛ یکی دسته‌ای که دارای تکواژ اضافه است و دیگری دسته‌ای که دارای تکواژ اضافه نمی‌باشد. کرافت (۲۰۰۳) بر مبنای این دسته‌بندی راهبردهای صرفی- نحوی را به چهار دسته طبقه‌بندی می‌کند که عبارتند از راهبردهای ساده، راهبردهای پیوندی<sup>۲</sup>، راهبردهای نمایه‌ای<sup>۳</sup> و طبقه‌نماها<sup>۴</sup>.

راهبردهای ساده: راهبردهایی که برای پیوند میان مالک و مملوک از تکواژ افزوده بهره نمی‌گیرند. این راهبردها سه دسته هستند؛ مجاورت<sup>۵</sup>، هم‌پیوندی ساخت‌واژی<sup>۶</sup> و هم‌جوشی یا آمیختگی<sup>۷</sup>.

در راهبرد مجاورت دو سازه در کنار هم قرار می‌گیرند. ترتیب دو سازه یا «دارنده- داشته» است یا «داشته- دارنده». به منظور روشن‌شدن موضوع، کرافت (۲۰۰۳: ۳۲-۴۵) نمونه‌هایی برای هر کدام از زبان‌های کوبون<sup>۸</sup> و یروبا<sup>۹</sup> ارائه می‌کند.

الف. ترتیب «دارنده- داشته» (نمونه از زبان کوبون)

<sup>1</sup> A. Moravcsik

<sup>2</sup> concatenation

<sup>3</sup> indexical strategies

<sup>4</sup> classifiers

<sup>5</sup> juxtaposition

<sup>6</sup> morphological concatenation

<sup>7</sup> fusion

<sup>8</sup> Kobon

<sup>9</sup> Yoruba

1. Dumnab ram

Dumnab house

Dumnab' house «خانهٔ دومناب»

ب. ترتیب «داشته-دارنده» (نمونه از زبان یروبا)

2. fílá Àkándé

cap Akande

Akande's cap

«کلاه آکانده» کلاه نشانهٔ مالکیت-آکانده

راهبر دوم، راهبردی صرفی است و دو گونه ملکی‌نمایی وندافزایی<sup>۱</sup> و ترکیب<sup>۲</sup> را در بر می‌گیرد. در وندافزایی، دارنده یک وند صرفی است که به داشته (هسته) متصل می‌شود که دارنده در این راهبرد مانند ساخت ملکی از زبان تیگر<sup>۳</sup> بیش‌تر ضمیری است.

3. səʔli -hom

photograph -3<sub>SG</sub>

«تصویر او» شناسهٔ سوم شخص مفرد- تصویر

در راهبرد ترکیب، مانند ساخت ملکی در زبان کیووا<sup>۴</sup> با دو ریشه از گروه‌های نحوی اصلی مواجهیم.

4. nó:- tó: - cègùn

my – brother -dog

my brother's dog

«سگِ برادرم» سگ برادر -م

در راهبرد هم‌جوشی، مانند ساخت ملکی در زبان لاکوتا<sup>۵</sup> دو سازهٔ دارنده و داشته به هم آمیخته و یک واحد را می‌سازند.

5. ina (my mother)

nihɔ (your mother)

hɔku (his/her mother)

از نظر کرافت (۲۰۰۳: ۳۲-۴۵) زبان‌هایی که دارای تکواژ اضافهٔ ملکی هستند، به دو دسته طبقه‌بندی می‌شوند؛ زبان‌هایی که از راهبردهای رابطه‌ای<sup>۶</sup> بهره می‌برند و زبان‌هایی که راهبردهای نمایه‌ای را به کار می‌برند. این دو دسته راهبرد، غالباً راهبردهای دستوری‌شده هستند. نشانهٔ ملکی در این دو راهبرد به لحاظ

<sup>1</sup> affixation

<sup>2</sup> compounding

<sup>3</sup> Tigre

<sup>4</sup> Kiowa

<sup>5</sup> Lakhota

<sup>6</sup> relational

تاریخی از واژگان مستقل محتوایی گرفته شده‌اند. وی (۲۰۰۳: ۳۲-۴۵) بین دو تکواژ پیوندی و نمایه‌ای تمایز قائل شده و اظهار می‌دارد که به تکواژهای پیوندی، حالت‌نما<sup>۱</sup> گفته می‌شود که مانند ساخت ملکی در زبان بلغاری<sup>۲</sup> خود به دو دسته آزاد (حرف اضافه حالت‌نما) و مقید (وندهای حالت) طبقه‌بندی می‌شود.

#### 6. Kniga Ivan -a

##### Book Ivan -GEN

Ivan's book

«کتاب ایوان»

#### 7. Nova -ta kniga na majka mi

New -te book of mother my

My mother's new book

«کتاب جدید مادرم»

در راهبردهای نمایه‌ای، پرکاربردترین تکواژها نشان‌گرهای مطابقت یا همایندنماها<sup>۳</sup> هستند. از راهبردهای نمایه‌ای می‌توان استفاده از همایندنماها<sup>۴</sup> و نشانه‌های بین‌ارجاعی<sup>۵</sup> را نام برد. در این راهبردها غالباً تکواژهایی هم به داشته و هم به دارنده افزوده می‌شود که به لحاظ شمار، شخص یا جنس یا دو یا هر سه آن‌ها با هم مطابقت دارند. سازه مطابقت‌کننده گاهی داشته و گاهی دارنده است. یعنی دو سازه هم‌مرجع به صورت هم‌زمان نسبت به هم کدگذاری شوند. نمایه‌ها<sup>۶</sup> به دو دسته شخصی و غیرشخصی دسته‌بندی می‌شوند. نمایه‌های شخصی مانند ساخت ملکی در زبان مام<sup>۷</sup> داشته را با دارنده نمایه‌سازی می‌کند.

#### 8. t- kamb' meeb' a

3sg- prize orphan

[the] orphan's prize

«جایزه یتیم»

گرافت (۲۰۰۳) برای روشن‌ساختن نمایه‌های غیرشخصی که یک نمونه از آن نمایه‌سازی صفت یا دیگر تعریف‌گرها به لحاظ جنس، شمار و یا شخص با اسم هسته است، از زبان روسی نمونه می‌آورد.

#### 9. mo -ja knig -a

my -Fsg book -Fsg

my book

«کتاب من»

راهبردهای دستوری‌ترشده: به‌کارگیری پیونده<sup>۸</sup> یکی از این گونه راهبردها است؛ به عنوان نمونه می‌توان از "s" انگلیسی نام برد مانند: the doctor's shoes «کفش‌های دکتر» و یا تکواژ اضافه مانند: «لباس زهرا»

<sup>1</sup> case maker

<sup>2</sup> Bulgarian

<sup>3</sup> concord or agreement marker

<sup>4</sup> concord marker

<sup>5</sup> cross-reference marker

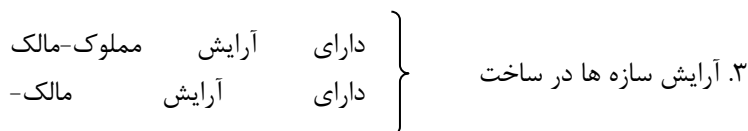
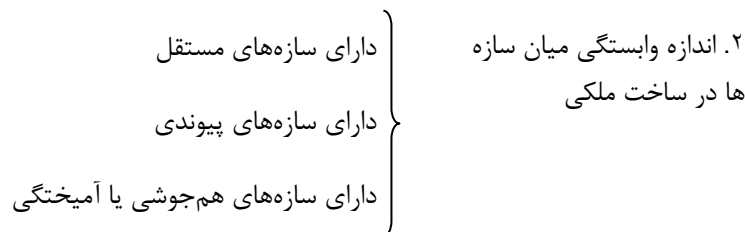
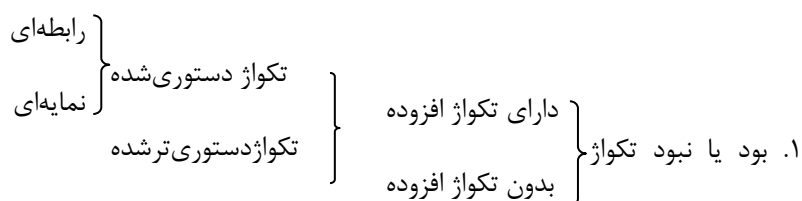
<sup>6</sup> indexes

<sup>7</sup> Mam

<sup>8</sup> linker

در زبان فارسی. کرافت (۲۰۰۳) برای توصیف ساختار دستوری از سه ویژگی دستوری پایه سخن به میان می‌آورد: الف: وجود و عدم وجود تکواژ افزوده و نوع این تکواژ، ب: اندازه استقلال سازه‌ها در ساخت ملکی و ج: آرایش سازه‌ها در ساخت ملکی. شریفی (۱۳۸۸: ۵۳) بر پایه این سه ویژگی، رده‌بندی راهبردهای گوناگون ساخت ملکی در زبان‌ها را در قالب نمودار (۱) نشان می‌دهد.

نمودار (۱) رده‌بندی زبان‌ها بر پایه سه ویژگی یافت‌شده در بررسی‌های رده‌شناختی شریفی (۱۳۸۸)



بناتا<sup>۱</sup> (۲۰۱۴: ۷۶-۸۱) بر این باور است که در بررسی ساخت ملکی به لحاظ رده‌شناختی، باید ساخت صوری و ساخت معنایی را مد نظر قرار داد. وی این دو ساخت را این‌گونه تعریف می‌کند:

ساخت معنایی: بررسی ساخت معنایی به معنای بررسی پیوند بین مالک و مملوک است. بر این مبنا سه گونه مالکیت وجود دارد. الف. «مالکیت انتقال‌ناپذیر»<sup>۲</sup>؛ در این حالت مملوک انتقال‌ناپذیر است، مانند: اندام‌های بدن و اعضای خانواده. ب. «مالکیت انتقال‌پذیر»<sup>۳</sup>؛ در این حالت مملوک انتقال‌پذیر است، مانند: خانه و اتومبیل و ج. «مالکیت گذرا»<sup>۴</sup>؛ یعنی مالک بر مملوک مالکیت دائم ندارد. به عنوان نمونه: استاد من.

<sup>1</sup> W. N. Beáta

<sup>2</sup> inalienable possession

<sup>3</sup> alienable possession

<sup>4</sup> transient possession

وی (۲۰۱۴: ۷۶-۸۱) بر اساس دو مشخصه معنایی [کنترل] و [زمان ثابت] انواع مالکیت را این‌چنین تعریف می‌کند؛ در مالکیت انتقال‌ناپذیر پیوند بین مالک و مملوک از لحاظ زمانی ثابت است ولی مالک بر مملوک کنترلی ندارد، پس ارزش دو مشخصه معنایی مالکیت انتقال‌ناپذیر [+زمان ثابت] و [-کنترل] است. در مالکیت انتقال‌پذیر، پیوند بین مالک و مملوک ثابت است و مالک بر مملوک کنترل دارد، پس ارزش مشخصه‌ها بدین‌صورت است [+زمان ثابت] و [+کنترل]. در مورد مالکیت گذرا وی معتقد است که این مالکیت زیر شاخه مالکیت انتقال‌پذیر است. در این نوع مالکیت، بحث تنها بر سر مالکیت مالک بر مملوک نیست، بلکه این نکته نیز اهمیت دارد که در لحظه کنش گفتاری، مملوک همراه با مالک است یا خیر. به باور بناتا (۲۰۱۴: ۷۶-۸۱) مملوک در ساخت ملکی یا انتقال‌پذیر یا انتقال‌ناپذیر است. در این ساخت مالک یا انسان یا غیرانسان و یا جان‌دار و بی‌جان است. در مالکیت انتقال‌پذیر، پیوند میان مالک و مملوک به دلایلی (مانند دزدی، گم‌شدن، فروش و...) گسسته می‌شود. در مالکیت انتقال‌ناپذیر پیوند میان مالک و مملوک ذاتی و همیشگی است. بر اساس طبقه دستوری، مملوک انتقال‌ناپذیر پیوند ساختاری نزدیک‌تری با مالک دارد.

ساخت صوری یا ساختاری: بناتا (۲۰۱۴: ۷۶) ساخت صوری یا ساختاری را بر مبنای ساختی که زبان برای بازنمایی ملکی استفاده می‌کند، به دو دسته مالکیت محمولی<sup>۱</sup> و مالکیت اسنادی<sup>۲</sup> طبقه‌بندی می‌کند. مالکیت ضمیری یا اسنادی: در این ساخت معمولاً مالک پیش از مملوک می‌آید و پیوند میان هسته<sup>۳</sup> (مملوک) و وابسته<sup>۴</sup> (مالک) توسط یک وند ملکی که به هسته وصل می‌شود و یا پسوند حالت اضافی برقرار می‌گردد که به مالک متصل می‌شود. در این ساختار هسته بعد از وابسته قرار می‌گیرد و مالک یا اسم یا ضمیر است. وی (۲۰۱۴: ۷۶) ساخت‌هایی چون *my car* «تومبیل من» و *John's car* «تومبیل جان» را ساخت اسنادی می‌نامند. در این نوع مالکیت، پیوند میان مالک و مملوک در یک گروه اسمی نشان‌داده می‌شود. به علاوه، نمونه‌های ذکرشده نشان می‌دهند که پیوند ملکی، ضمیری است. زمانی که مالک ضمیر باشد، مانند *my* و یا پیوند اسم-اسم مانند *John* زمانی که مالک اسم باشد.

مالکیت گزاره‌ای: در این گونه مالکیت‌نمایی، در جمله یک گزاره فعلی<sup>۵</sup> وجود دارد. به باور استاسن (۲۰۰۹، ۲۰۰۱) بر این مبنا دو زیر شاخه ساخت گذرا<sup>۶</sup> (مالکیت داشتن)<sup>۷</sup> و ساخت وجودی<sup>۸</sup> وجود دارند. در ساخت گذرا مالکیت با فعل «داشتن» بیان می‌شود و فعل در شخص و شمار با فاعل دستوری مطابقت دارد و

<sup>1</sup> predicate possession

<sup>2</sup> attributive Possession

<sup>3</sup> head

<sup>4</sup> modifier

<sup>5</sup> verbal predicate

<sup>6</sup> transitive constructions

<sup>7</sup> have-possessive

<sup>8</sup> existential construction



مالک فاعل و مملوک مفعول است، مانند: I have a knife «من یک چاقو دارم». در ساخت وجودی، مالکیت با جمله‌ای بیان می‌شود که با توجه به ساختار آن، شبیه یک جمله وجودی است. فعل وجودی فعلی است که معمول جملات وجودی هستند، یعنی افعال «وجودداشتن» و «بودن». در این ساخت، مالک لزوماً فاعل جمله نیست، بلکه می‌تواند نقش دیگری داشته باشد.

با وجود این، تمایز میان انتقال‌پذیر و انتقال‌ناپذیر موضوعی است که در ارتباط با فرهنگ قرار دارد و مرزبندی زبان‌ها بین این دو نوع مملوک متفاوت می‌باشد. استاسن (۲۰۰۹: ۷۹) معتقد است اسامی انتقال‌ناپذیر به طور کلی به مالکیت اسنادی محدود می‌شوند. مالکیت اسنادی مانند «خانه من» (داشته انتقال‌پذیر)، «سر من» (داشته انتقال‌ناپذیر) و مالکیت گزاره‌ای مانند «من یک خانه دارم» (داشته انتقال‌ناپذیر)، «من سر دارم» (داشته انتقال‌ناپذیر). همان‌طور که در نمونه‌های یادشده دیده شد، در حالت اسنادی انتقال‌پذیرها و انتقال‌ناپذیرها یکسان عمل می‌کنند، در حالی که ساخت گزاره‌ای برای مملوک انتقال‌پذیر مناسب است، اما برای مملوک انتقال‌ناپذیر کمی عجیب به نظر می‌رسد.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش روش یا روش‌های پیوند میان دارنده و داشته در گویش سُرخ‌ی بررسی و رده‌زبانی این گویش از دیدگاه رده‌شناسی روشن می‌شود. راهبرد ساخت ملکی در این گویش، بهره‌گیری از پیونده است. پیونده این گویش - که همان کسره اضافه است - به لحاظ منشاء از ضمیر موصولی (که خود یک تکواژ نمایه‌ای است) گرفته و طی فرایند دستوری شدن به پیونده تبدیل شده است. از این جهت، گویش سُرخ‌ی همانند زبان فارسی در نشان‌دادن پیوند میان دارنده و داشته از پیونده بهره می‌برد. کرافت (۲۰۰۳: ۳۲-۴۵) پیونده را تکواژی می‌داند که بین اسم و ضمیر ملکی ظاهر می‌شود و بدین جهت به هر دو سازه وابسته است و بنا بر این دیدگاه باید ساخت ملکی را در گویش سُرخ‌ی متشکل از سه تکواژ دانست. داده‌های نمونه (۱۰) نشانگر این موضوع است:

##### 10. kowg -e- to

«کبک تو» - LNK - کبک تو

شریفی (۱۳۸۸: ۵۳) به نقل از استاجی و جهانگیری (۱۳۸۵) اظهار می‌دارد که کسره اضافه از ضمیر موصولی *hya-* ایرانی باستان گرفته شده که در دوره میانه به صورت */-i/* ظاهر شده است، و در فارسی نو و گویش سُرخ‌ی به صورت واکه */-e/* به هسته اسمی داشته متصل می‌شود. این در حالی است که سازه دارنده همواره آزاد است. با توجه به توضیحات بالا نمونه (۱۰) بدین صورت تصحیح می‌شود:

##### 11. Kowge-e to

Kowge-LNK to

«کبک تو» - LNK - کبک تو

جدول ۱.

نمونه‌های به‌کارگیری از پیونده به عنوان راهبرد غالب در ساخت ملکی

دارنده	داشته انتقال‌پذیر	داشته انتقال‌ناپذیر
انسان	miš-e Ali «میش علی»	pos-e Ali «پسر علی»
غیرانسان جان‌دار	owsar-e çar «افسارِ خر»	xin-e sag «خونِ سگ»
غیرانسان بی‌جان	digbar-e anāle «دیگِ آن‌ها»	tijal-e mo «موهایِ من»

همان‌گونه که در نمونه‌های جدول (۱) دیده می‌شود، در ساخت ملکی بدون توجه به نوع دارنده و داشته، نخست داشته و سپس دارنده کنار هم قرار می‌گیرند و پیوند میان آن‌ها با بهره‌گیری از پیونده برقرار می‌شود. با این همه، راهبرد بهره‌گیری از پیونده را نمی‌توان تنها راهبرد ایجاد ساخت ملکی در گویش سُرخ‌ی دانست. در نمونه‌های ذکر شده داشته‌ها به همخوان ختم شده‌اند. اکنون مواردی را بررسی می‌کنیم که داشته به واکه ختم می‌شود. در گویش سُرخ‌ی دو نوع واکه کوتاه /a, e, o/ و کشیده /ɑ, u, i/ وجود دارند. بر این مبنا از بررسی داشته‌های مختوم به واکه این نتایج بدست آمد «اگر دارنده با واکه آغاز گردد، واج میانجی /dʒ/ برای رفع تلاقی واکه‌ها (واکه آخر واژه و واکه /-e/ به عنوان پیونده) ظاهر می‌گردد و همین وضعیت در زبان فارسی هم وجود دارد. بنابراین صورت اولیه /je- / بوده است که با درج میانجی التقای واکه‌ها را زایل کرده و در گام بعدی به مرور زمان با فرسایش آوایی، واکه پیونده از پایان حذف شده و تنها واج میانجی /dʒ/ به جا مانده و یک تنه به عنوان پیونده ایفای نقش کرده است.

12. a. dʒidʒe-j Ali «جوجه علی»  
 b. kaka-j Ali «برادر علی»  
 c. xune-j unalæ «خانه آن‌ها»  
 d. bowā-j to «پدر تو»

یکی دیگر از راهبردهای ملکی‌سازی در گویش سُرخ‌ی، بهره‌گیری از راهبرد مجاورت بدون دخالت هیچ تکواژ افزوده‌ای است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که این گویش در موارد الف، ب و ج دو مورد (۱۳) و (۱۴) از راهبرد مجاورت برای ملکی‌سازی استفاده می‌کند.

الف. اگر واژه‌ای به همخوان سایشی چاکنایی /h/ ختم شود و پیش از آن واکه باشد، بر مبنای ملاحظات واج‌آرایی و وزنی، همخوان /h/ حذف و واکه هسته اگر کوتاه باشد تحت فرایند کشش جبرانی، کشیده می‌شود

و اگر واکه هسته کشیده باشد، فرایند کشش جبرانی روی نمی‌دهد. اگر این اسم وارد ساخت ملکی شود از راهبرد مجاورت برای ملکی‌نمایی بهره گرفته می‌شود. نمونه‌های (۱۳) نشان‌دهنده این راهبرد هستند.

13. a. /kuhe dalu/: [ko: dalu] «کوه دَلو»  
 b. /dehe hoy/: [de: hoy] «روستای او»  
 c. /ʃahe Iran/: [ʃa ʔiran] «شاه ایران»

ب. توالی واکه و غلت: اگر واژه به توالی واکه و غلت ختم شود و این واژه به عنوان داشته بخوهد با دارنده پیوند برقرار کند، ساخت ملکی در گویش سُرخ‌ی از راهبرد مجاورت بدون افزودن هیچ تکواژی بهره می‌برد. نمونه (۱۴) گویای این مورد است.

14. a. dʒirow Ali «جوراب علی»  
 b. dej hoy «مادر او»  
 c. sorxow zan xalu «سرخاب زن دابی»  
 d. rej merdælu «رأی مردها»  
 e. low mæ «لب من»

ج. اگر داشته به واکه /i, u, æ/ ختم شود، برای پیوندخوردن با مالک، ساخت ملکی از راهبرد مجاورت بهره می‌برد، مانند:

15. a. ʃi do:tom «شوهرِ دخترم»  
 b. mi sag «موی سگ»  
 c. ʔorsi Ali «عروسی علی»  
 d. dæhæ mār «استخوان مار»  
 e. kæhæ Ali «فک علی»  
 f. kolæ bowām «کلاه پدرم»  
 g. ʔāmu zænom «عموی زنم»  
 h. jābu Ali «اسب علی»  
 i. su tijæleš «نور چشمانش»

راهبرد سوم ملکی‌نمایی در گویش سُرخ‌ی راهبرد وندافزایی است و بیش‌تر زمانی استفاده می‌شود که دارنده ضمیر باشد. ماهوتیان (۱۳۹۰: ۱۴۹) معتقد است در این روش از واژه‌بست استفاده می‌شود. در این راهبرد، دارنده مانند یک واژه‌بست به داشته وصل شده و هر دو سازه به صورت یک واژه واحد نمایان می‌شوند. پیش از ذکر نمونه‌های ساخت ملکی با بهره‌گیری از این راهبرد، ضمائر ملکی در جدول (۲) ارائه می‌شود و سپس نمونه‌ها ذکر خواهند شد.

جدول ۲.

ضمایر ملکی در گویش سُرخ‌ی

شخص و شمار	واژه مختوم به همخوان باشد	واژه مختوم به واکه باشد
اول شخص مفرد	-om	-m
دوم شخص مفرد	-et	-t
سوم شخص مفرد	-eš	-š
اول شخص جمع	-emu	-mu
دوم شخص جمع	-etu	-tu
سوم شخص جمع	-ešu	-šu

در جدول (۲) تفاوت میان ستون‌های دوم و سوم به دلیل تفاوت بافت واجی در ساخت ملکی است؛ یعنی بر مبنای واج پایانی مملوک که همخوان یا واکه باشد، از میان ضمایر ملکی که نقش دارنده را دارند دست به انتخاب زده می‌شود. نمونه (۱۶) این مسئله را روشن می‌سازند:

الف. اسم (مملوک) مختوم به واکه:

16.

- a. ga-m «گاوم»  
 b. ga-šu «گاوشان»

ب. اسم (مملوک) مختوم به همخوان:

17.

- a. pos-om «پسرم»  
 b. pos-efu «گاوشان»

در این‌جا می‌توان به تمایز میان دارنده اسمی و دارنده ضمیری اشاره کرد. همان‌گونه که داده‌های (۱۷) الف و ب) نشان می‌دهند، در گویش سُرخ‌ی مالک‌های ضمیری در قالب یک وند به مملوک افزوده شده و با بهره‌گیری از راهبرد وندافزایی به هم می‌پیوندند، اما دارنده‌های اسمی با بهره‌گیری از راهبردهای مجاورتی پیونده به داشته می‌پیوندند (داده‌های نمونه (۱۵) نشان‌دهنده مالک اسمی و داده‌های نمونه‌های (۱۶) و (۱۷) نشان‌دهنده مالک ضمیری هستند).

تمایز دیگری که می‌توان بدان پرداخت، تمایز میان ساخت‌های «داشتن» و «متعلق‌بودن» است که هاینه<sup>۱</sup> (۱۹۹۷: ۲۹) بدان اشاره می‌کند. وی معتقد است که در ساخت‌های «داشتن»، دارنده نهاد جمله و

<sup>1</sup> B. A. Heine

داشته، متمم آن و تأکید بر دارنده است. اما در ساخت «متعلق بودن» داشته در جایگاه نهاد و دارنده در جایگاه متمم یا سازه همجوار آن قرار دارد و تأکید بر داشته است مانند:

18. Peter has a car. «پیت‌ر یک اتومبیل دارد»

19. The car is Peters, or the car belongs to Peter.

«اتومبیل مال پیت‌ر است یا اتومبیل به پیت‌ر تعلق دارد»

در گویش سُرخ‌ی در ساخت «داشتن» از ریشه فعلی /hen/ استفاده می‌شود و ساخت «متعلق بودن» به کمک واژه «مال» نشان داده می‌شود. هر دو ساخت «داشتن» و «متعلق بودن» برای بیان مالکیت انتقال پذیر به کار برده می‌شود، مانند:

20.

a. ?i xuna male ma he «این خانه مال من است»

b. ma xuna ome «من خانه دارم»

در نمونه (۲۰)، خانه یک مملوک انتقال پذیر است که مالکیت آن در نمونه (b) به کمک ساخت «داشتن» و در (a) به کمک ساخت «متعلق بودن» نمایانده شده است. ساخت «متعلق بودن» را نمی‌توان برای بیان مالکیت انتقال‌ناپذیر به کار برد. از این رو جمله‌های ذکر شده در نمونه (۶) پذیرفته نیست، زیرا در آن‌ها bowa «پدر» و das «دست» که هر دو در زمره داشته‌های انتقال‌ناپذیر هستند به کمک ساخت «متعلق بودن» با دارنده mæ «من» پیوند خورده‌اند.

21.

a. ?i bowa male ma he «این پدر مال من است»

b. ?i das male ma he «این دست مال من است»

از سوی دیگر بیان مالکیت انتقال‌ناپذیر به کمک ساخت «داشتن» شدنی است، مانند:

22.

a. ma das ome «من دست دارم»

b. ma kaka om «من برادر دارم»

تفاوت دوم میان ساخت‌های «داشتن» و «متعلق بودن» در آرایش سازه‌های آن‌ها است. در ساخت «داشتن» آرایش دارنده-داشته و در ساخت متعلق بودن آرایش داشته-دارنده است. و اما موضوع دیگر بررسی شناخته و ناشناخته بودن دارنده و داشته است. در گویش سُرخ‌ی در چهار حالت دارنده و داشته شناخته (معرفه)، دارنده و داشته ناشناخته (نکره)، دارنده شناخته و داشته ناشناخته، و دارنده ناشناخته و داشته شناخته می‌توان هم از ساخت «داشتن» و هم از ساخت «متعلق بودن» بهره گرفت. نمونه‌های جدول (۳) گویای این واقعیت هستند.

جدول ۳.

نمونه‌هایی از ساخت ملکی «داشتن» و «متعلق بودن» در گویش سُرخ‌ی

شناخته / ناشناخته	ساخت داشتن	ساخت متعلق بودن
هر دو شناخته	ma ?i ketab ome «من این کتاب را دارم»	ketab male ma he «کتاب مال من است»
هر دو ناشناخته	ja baʃfej ketabi eʃe «یک بچه‌ای کتاب دارد»	ja ketabi male ye baʃfej he «یک کتابی مال یک بچه‌ای است»
دارنده شناخته / داشته ناشناخته	ma ketabi ome «من کتابی دارم»	ja ketabi male ma he «یک کتاب مال من است»
دارنده ناشناخته / داشته شناخته	baʃfej ketab eʃe «بچه‌ای کتاب دارد»	ketabu male ja baʃfej he «کتاب مال یک بچه‌ای است»

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه تاکنون گفته شد، می‌توان دریافت که گویش سُرخ‌ی از سه راهبرد پیونده، مجاورت و وندافزایی برای ساخت ملکی خود استفاده می‌کند که یکی از آن‌ها از دسته راهبردهایی است که در آن‌ها افزایش تکواژ داریم و دیگری از جمله راهبردهای ساده است که در آن‌ها هیچ تکواژی به دارنده و داشته اضافه نمی‌شود. راهبرد نخست، استفاده از پیونده و دوم استفاده از راهبرد وندافزایی و سومین راهبرد بهره‌گیری از راهبرد مجاورت بدون دخالت هیچ تکواژ افزوده‌ای است که خود از جمله راهبردهای پیوندی می‌باشد. این سه راهبرد با توجه به سه ویژگی یادشده در رده‌بندی کرافت (۲۰۰۳)، در جدول (۴) تحلیل می‌شوند.

جدول ۴.

راهبردهای ساخت ملکی در گویش سُرخ‌ی

متغیر دستوری	راهبرد وندافزایی	راهبرد پیونده	راهبرد مجاورت
وجود یا عدم وجود تکواژ افزوده و نوع آن	فاقد تکواژ افزوده	تکواژ افزوده (پیونده)	فاقد تکواژ افزوده
میزان استقلال عناصر	پیوندی	پیوندی آمیخته	سازه‌های مستقل
ترتیب عناصر	داشته-دارنده	داشته-دارنده	داشته-دارنده

ناهمسانی‌های میان ساخت «داشتن» و «متعلق بودن» در گویش سُرخ‌ی در جدول (۵) خلاصه شده

است:

جدول ۵

ناهمسانی‌های میان ساخت «داشتن» و «متعلق بودن»

شناخته و ناشناخته بودن دارنده و داشته		هر دو شناخته	هر دو ناشناخته	بیان دارندگی انتقال ناپذیر	بیان دارندگی انتقال پذیر	آرایش	
دارنده ناشناخته و داشته شناخته	دارنده شناخته و داشته ناشناخته	هر دو شناخته	هر دو ناشناخته	بیان دارندگی انتقال ناپذیر	بیان دارندگی انتقال پذیر	دارنده- داشته	ساخت «داشتن»
+	+	-	+	-	+	-	
-	+	+	-	-	+	داشته- دارنده	ساخت «متعلق بودن»

منابع

- استاجی، اعظم و نادر جهانگیری (۱۳۸۵). منشأ کسره اضافه در زبان فارسی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، (۴۷)، صص. ۶۹-۸۱.
- جعفری، امیدعلی (۱۳۶۲). *پژوهشی تازه در دستور زبان فارسی*. اصفهان: مؤسسه انتشارات ثقفی.
- شریفی، شهلا (۱۳۸۸). بررسی ساخت ملکی در زبان فارسی امروز از دیدگاه رده‌شناسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، (۱۱)، صص. ۴۷-۶۲.
- ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۷۸). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*. ترجمه مهدی سمائی، تهران: مرکز. ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳). *دستور زبان فارسی*، تهران: انتشارات توس، چاپ سیزدهم.
- ندیمی، حسن (۱۳۵۴). *طرح دستور زبان*، تهران: رز.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۹۰). *دستور زبان فارسی (۱)*، تهران: سمت.

- Beáta, W. N. (2014). Possessive construction in Ngansan. *Томский журнал ЛИНГ и АНТРО. Tomsk Journal LING & ANTHRO*, (1), pp. 76-82.
- Estaji, A. and Jahangiri, N. (2006). The Origin of Ezafe cConstruction in Persian, (47), pp. 69-81. [In Persian]
- Croft, W. (2003). *Typology and universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Heine, B. A. (1997). *Possession: Cognitive sources, forces and grammaticalization*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jafari, O. A. (1383). *A new research in Persian grammar*. Tehran: Saafi Press. [In Persian]
- Mahootian, S. (1999). *Persian language grammar from a typological perspective*. Translated by Mehdi Samaee, Tehran: Markaz Press. [In Persian]
- Moravcsik, A. (2013). *Introducing language typology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Natel Khanlari, P. (1994). *Persian grammar*. Tehran: Toos Press. [In Persian]
- Nadimi, H. (1975). *Grammar Plan*. Tehran: Rose Press. [In Persian]
- sharifi, S. (2009). A typological study of genitive construction in the contemporary Persian. *Journal of Researches in Linguistics*, 1(1), 47-62.

- Stassen, L. (2001). Predicative possession. In Martin Haspelmath, Wulf Oesterreicher and Raible, Wolfgang (eds.), pp. 954-960. Berlin and New York: Mouton de Gruyter.
- Stassen, L. (2009). *Predicative possession*. Oxford: Oxford University Press.
- Vahidian Kamyar, T. and G. Omrani, (2011). Persian grammar (1). Tehran: Samt. [In Persian]